

«شرح مشکلات خاقانی - دفتر چهارم (پنجنوش سلامت)»



مؤلف: عباس ماهیار

نوبت انتشار: اول

محل نشر: کرج

ناشر: جام گل

سال انتشار: ۱۳۸۴

تعداد صفحات: ۳۴۴

منتقد:

دکتر محمدرضا ترکی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

معرفی اثر

این کتاب بخش چهارم از مجموعه ۵ جلدی شرح مشکلات خاقانی است و به مباحث طبی و داروشناسی قدیم در دیوان خاقانی اختصاص دارد.

امتیازات شکلی و محتوایی

نثر کتاب پخته و استوار است. کتاب از لحاظ حروف‌نگاری و سایر موارد خوب و از لحاظ طرح جلد، متوسط ارزیابی می‌شود.

این کتاب به عنوان یک متن کمک درسی خوب می‌تواند مورد استفاده و مطالعه دانشجویان در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد قرار گیرد؛ و همچنین می‌تواند به عنوان متن مکمل یک درس ۲ واحدی مطرح باشد.

نویسنده تحت کلیاتی به بررسی برخی مفاهیم کلی طب قدیم از قبیل اخلاط و مزاج و طبع پرداخته، سپس در گفتار دوم برخی از اصطلاحات مهم طب سنتی را شرح داده آنگاه در گفتار سوم و چهارم اندامهای بدن و بیماری‌های آنها و نیز شیوه مداوا را توضیح داده است. گفتار پنجم طی فصولی به مداوای دارویی اشاره کرده است. گفتار ششم به زهرها و گفتار هفتم به طب و اعتقادات دینی و آداب اجتماعی اختصاص دارد. در گفتار هشتم به مباحث پیراپزشکی و ارتباط با سایر علوم اشاره دارد.

متن، پخته و نثر استوار است و مولف محترم قدرت و تسلط کافی در توضیح و تبیین مفاهیم داشته‌اند. نکات و ظرایف تازه‌ای در شرح ابیات بیان شده است و نکات غامض طبی با زبانی ساده بیان شده است.

اشکالات شکلی و محتوایی

طرح جلد می‌توانست مناسب‌تر انتخاب شود.

در ص ۲۵ به استناد این بیت طبع بنات النعش میرا از آرزو دانسته شده: «طبعی چو بنات نعش ز آمال دوشیزه جاودان بینم». ظاهراً مقصود دوشیزه بودن جاودان بنات النعش است نه بری بودن طبع بنات النعش از آمال. میرا بودن بنات النعش از آمال نیازمند مستند و دلیلی است که ارائه نشده است.

ص ۲۶، ذیل این بیت حضرت مسیح را با خیر از مزاج گیاهان دانسته‌اند: «ز مرغزار سلامت دل مراست خیر که هم مسیح خیر دارد از مزاج گیاه». ظاهراً مقصود از مسیح در اینجا

شرح مشکلات خاقانی - دفتر چهارم (پنجنوش سلامت) ۶۵

پزشک است نه حضرت مسیح. این کاربرد در شعر خاقانی سابقه دارد و اساسا مداوای بیماران به وسیله آن حضرت با معجزه صورت می گرفته نه از طریق اطلاع از دارو سازی! ص ۲۳ نوشته اند: «مسلمانان استفاده از علمی با مراجعه به عالمی را منوط به تأیید قرآن کریم و اخبار نبوی و دست کم آثار صحابه و شیعیان آن را منوط به اخبار ائمه (ع) می دانستند و می دانند.» ظاهراً منظور استاد دیدگاه اخباریان و اهل ظاهر است و گرنه به طور مطلق در اسلام و تشیع به استفاده از علم و عالم سفارش شده است.

ص ۹۹ ذیل این بیت: «زان که تباشیر اوست ریشتین استخوان» باید به ساخت تباشیر قلبی اشاره می شد که نویسنده به نکته دیگری اشاره کرده که دقیق نیست.

ص ۱۰۶ ذیل بیت: «دیدبانان بام عالم را دیده ها بر بصر ندوخته اند» به پرده های چشم اشاره می کند. ظاهراً مقصود از پرده در اینجا پرده بصیرت و حجاب است نه پرده های چشم. ص ۱۳۱ ماخذ روایت مورد استناد ذکر نشده است.

ص ۱۵۸ در بحث خون نویسنده قول می دهد به ذکر چند نمونه بپردازد که تنها به یک مورد اشاره شده است.

ص ۱۸۴ ادعا شده که از نی تاج می ساخته اند به شاهی اشاره شده که گویا نیست. ص ۲۳۳ در این بیت «اینست زرقایی که چشم خضر از او محرم کحل مسیحا دیده ام». زرقا نام زنی است عرب که گفته اند چشم تیز بینی داشته و داستان مشهوری دارد. نویسنده گویا زرقا را به معنی ازرق گرفته و نوشته اند: «چشم حضرت خضر از چشم زرقای او محرم کحل مسیح است»

ص ۲۴۶ ذیل مبحث نوشدارو، آن را معجونی دانسته اند مفرح و مقوی قلب و به این مصراع استشهاد کرده اند:

«نوشدارو چون توان جست از دهان اژدها». باید توجه داشت که نوشدارو در این بیت به معنی پادزهر است.

ص ۲۸۳ و ۲۸۴ بیت «سحر چرخ از دو فواره ی مه و خور خوابم بست...» اشاره به جادوی بستن خواب دارد نه آنچه نویسنده آورده اند که دقیق نیست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

مباحث مطرح شده در کتاب اختصاص به دیوان خاقانی ندارد و در فهم سایر متون نیز مفید است و اصطلاحات طبی و داروسازی و کتابشناسی قدیم به شیوه مناسبی در کتاب آمده است. با توجه به پربسامد بودن اصطلاحات پزشکی و دارویی در شعر خاقانی و شاعران دیگر، این اثر در شناساندن ابعاد مختلفی از شعر خاقانی و دیگر متون فارسی بسیار سودمند است. البته درج تصویر برخی از گلها و گیاهان دارویی با توجه به غرابت برخی از اصطلاحات مرتبط و ناآشنایی خواننده امروزی می‌توانست بر فایده کتاب بیفزاید.

